

یکصدمین سالگرد مهم‌ترین رویداد تاریخ معاصر ایران

آذر مصباح

ترس و بلاتکلیفی و شایعه‌ی تصمیمات دولت مبنی بر حمله به اجتماع مردم باعث شد که هزاران نفر برای حفظ جان خود در باغ سفارت انگلیس جمع شوند و خواسته‌های خود را چنین اعلام کنند:

برکناری عین‌الدوله از صدارت، فراهم کردن زمینه‌ی بازگشت مهاجران به تهران و تشکیل دارالشورا. مظفرالدین‌شاه در اولین قدم عین‌الدوله را برکنار و مجلس با حضور نمایندگان تهران در ۱۴ جمادی‌الثانی مشروطیت شناخته شد و فرمان مشروطیت صادر گردید. ولیعهد مظفرالدین‌شاه (محمدعلی میرزا) در تبریز به ظاهر از این اقدام استقبال و پس از تاج‌گذاری در تهران راه مخالفت را با مشروطیت در پیش گرفت و تصمیم داشت به تدریج حکومت خودکامه‌ی پادشاهی را برقرار سازد. در تابستان ۱۲۸۷ هجری شمسی یعنی ۲ سال پس از استقرار مشروطیت محمدعلی‌شاه با همکاری مشاوران روسی خود برنامه‌ی برای از بین بردن مجلس (مظهر مشروطیت) به اجرا درآورد. طرفداران مشروطیت برای مقابله با سربازان شاه آماده شدند، اما چون اسلحه و سازمان‌دهی لازم را نداشتند با وجود مقاومت دلیرانه شکست خوردند. مامورین شاه با گلوله‌های توپ مجلس را ویران کردند و نمایندگان مردم به خارج از تهران تبعید شدند. میرزا جهانگیر شیرازی معروف به صور اسرافیل و ملک‌المتکلمین و عده‌ی دیگر از مشروطه‌خواهان سرسخت به قتل رسیدند و یک‌بار دیگر استبداد به‌جای مشروطیت نشست و این دوره که یک سال و یک ماه طول کشید، استبداد صغیر نامیده شد.

مردم تبریز از یک‌سو و عشایر بختیاری از اصفهان از سوی دیگر به کمک طرفداران مشروطیت از گیلان به تهران حرکت کردند و نیروهای دولتی را شکست داده و تهران را به تصرف درآوردند و محمدعلی‌شاه به سفارت روسیه پناه برد. رهبران فاتحان تهران، حاج علی‌قلی‌خان بختیاری (سردار اسعد)، نجف‌قلی‌خان بختیاری (صمصام‌السلطنه)، محمدولی‌خان تنکابنی (سپهدار اعظم) و پیرمیرزا ارمنی بودند. ■

□ مشروطیت یعنی ایجاد شروط و قیودی برای حکومت کردن، به این معنا که حاکم یا پادشاه بایستی تسلیم رأی مردم باشد و نمایندگان مردم باید بر کارها نظارت کنند. در نظام مشروطه، حاکمیت برخاسته از اراده‌ی ملت است و به تبع آن، مجلس ارکان اصلی می‌باشند و دولت (هیأت وزیران) با رأی نمایندگان مجلس انتخاب می‌شوند و اداره‌ی کشور را در دست می‌گیرند. حکومت مشروطه نقطه‌ی مقابل حکومت استبدادی یا فردی‌ست.

انقلاب مشروطیت ایران در اواخر سلطنت مظفرالدین‌شاه به‌وقوع پیوست، ولی زمینه‌های آن از دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه فراهم شده بود. پیدایش اندیشه‌های نو درباره‌ی حکومت، تأثیر حوادث جهانی بر افکار ایرانیان و انتشار آثار انتقادی در مورد اوضاع ایران در مطبوعات را می‌توان زمینه‌های فکری انقلاب مشروطیت دانست.

مشکلات سیاسی، اداری و اقتصادی کشور و بحرانی شدن وضع کشور در زمینه‌ی اقتصادی و سفرهای مکرر پادشاهان به اروپا که هزینه‌های زیادی را بر اقتصاد کشور تحمیل می‌کرد، دولت را به گرفتن وام از کشورهای خارجی مجبور ساخت.

دولت‌های بیگانه با دادن هر وامی، امتیازی می‌طلبیدند و سلطه‌ی خود را بر کشور ما افزایش دادند. شرایط به شکلی بود که در بسیاری از شهرها مردم برای رفع نیازهای اولیه‌ی خود مشکلات فراوانی داشتند و شاه در جریان بسیاری از این امور قرار نمی‌گرفت. نه خود پیگیر مسائل کشور بود و نه اطرافیان اجازه می‌دادند که اخبار به او برسد، گاهی هم که خبرهایی از ناراضی‌تای مردم دریافت می‌کرد، به عوض کردن صدر اعظم و دادن وعده‌ها بسنده می‌کرد. اغلب صدراعظم‌ها عامل اصلی ناراضی‌تای مردم بودند و اعتقاد داشتند که اعتراض‌ها را باید نادیده گرفت یا سرکوب کرد، عین‌الدوله داماد مظفرالدین‌شاه در رأس این افراد قرار داشت.

اعتراضات مردم با همراهی روحانیون وقت به رهبری آیت‌الله طباطبایی و بهبهانی گسترش یافت و صدراعظم وقت هرگونه عقب‌نشینی در برابر مردم را به زیان حکومت می‌دانست. مردم تهران همراه با جمعی از روحانیون در مرقد حضرت عبدالعظیم تحصن کردند و این اقدام مهاجرت صغری نامیده شد و متخصصین ایجاد عدالت‌خانه را مهم‌ترین خواست خود اعلام کردند. چون دولت وقت به خواسته‌ی متخصصین توجه نکرد، مردم تصمیم گرفتند به قم مهاجرت کنند و از آن‌جا به کربلا بروند. مهاجرت به قم که گسترده‌تر از مهاجرت قبلی بود، به مهاجرت کبری معروف شد و شهر تهران به حالت تعطیل درآمد و

۱۳ رجب، میلاد حضرت علی که امسال با روز
خبرنگار مصادف شده است، مبارک باد.

در کعبه شد پدید و به محراب شد شهید
نازم به حسن مطلع و حسن ختام تو